فانوس

بصیرت امام

۸۱

در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی / شماره هشتاد و یکم / تابستان ۱۴۰۴

سیاست و دیانت

گفتاری از دکتر حسین محمدی اسپرت
پیرامون کارکردهای سیاسی هیأت



فانوس ـ در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی
شماره هشتاد و یکم، پاییز ۱۴۰۴
سیاستی عین دیانت
گفتاری از دکتر حسین محمدی سیرت پیرامون کارکردهای سیاسی هیأت
برنامه تلویزیونی روایت هیأت(شبکه افق)، ۲۰ مهرماه ۱۳۹۸
به کوشش: معاونت راهبردی جامعه ایمانی مشعر
تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
طراح جلد: علی ناصری
صفحه‌آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر
قم ـ کد پستی: ۳۷۱۹۶ - ۱۵۶۴۷
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org
رایانامه: info@۱۵۴۲.org

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

یکی از مسائلی که همواره بین گروه‌های مختلف هیأتی و مذهبی مورد توجه و بحث و نظر بوده، این است که آیا گروه‌ها و نهادهای مذهبی حق ورود به حوزه سیاست را دارند و یا صرفاً باید به فعالیت مذهبی خود در همان محدوده هیأت و مسجد بپردازند، بدون اینکه هیچ گونه دخالتی در امور سیاسی داشته باشند. با کمی تأمل و دقت می‌توان به این نتیجه رسید که لازمه اعتقاد به امام حسین علیه‌السلام التزام به مفاهیمی مثل استکبارستیزی، عدالت‌خواهی و قیام علیه ظلم و ناعدالتی و.... است و این مفاهیم از نام امام حسین علیه‌السلام قابل انفکاک نیست، لذا حضرت آقا در جایی می‌فرماید: «ما هیأت سکولار نداریم»[1] که با این کلام، ایشان صراحتاً می‌فرمایند که باید نهادهای دینی در عرصه سیاست ورود

۱. هیأت‌ها نمی‌توانند سکولار باشند؛ هیأتِ امام حسینِ سکولار ما نداریم! هرکس علاقه‌مند به امام حسین است، یعنی علاقه‌مند به اسلام سیاسی است، اسلام مجاهد است، اسلام مقاتله است، اسلام خون دادن است، اسلام جان دادن است؛ معنای اعتقاد به امام حسین این است. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲/۰۸/۲۰.

داشته باشند؛ اما مبحثی که در ذیل این مسئله مطرح است این است که حضور و فعالیت نهادهای دینی در عرصه سیاست چگونه بوده و باید چگونه باشد؟

آن‌چه که تاریخ به آن شـهادت می‌دهد این اسـت که فعالیت سیاسی نهادهای دینی همواره فاعلانه و مسـتقل بوده و هیـچ‌گاه منفعل عمل نکرده و هیچ‌وقت بازیچه سـاختارهای سیاسـی نگشـته و همین‌طور هیچ‌گاه مـزدور حکومت‌ها نشـدند و این مهم معلول دو علت اسـت: اولاً حریت و استقلال مالی نهادهای دینـی در طول تاریخ و ثانیـاً اعتقاد آن‌ها به یک گفتمـان و رویکرد کلانی که در مکتب امام حسین علیه‌السلام آموخته‌اند.

متن پیش‌رو گفت‌وگویی اسـت با جناب آقای دکتر حسـین محمدی‌سـیرت در برنامـه تلویزیونی روایـت هیأت پیرامون کارکردهای سیاسـی هیـأت که تقدیم محضر عزیزان می‌گردد.

سابقه ارتباط دین و سیاست

مفاهیمی همچون آخوند سیاسی، آخوند حکومتی، هیأت سیاسی، هیأت حکومتی و... تعابیر جدید و نوظهوری نمی‌باشند، یعنی این‌طور نیست که صرفاً بعد از انقلاب یا در دو دهه اخیر این مفاهیم به کار گرفته شده باشند.

در مورد سابقه رابطه نهادهای دینی اعم از هیأت، مسجد، روحانیت و.... با حکومت باید گفت که این ارتباط مربوط به دوره فعلیِ ما نیست؛ من نمی‌خواهم خیلی عقب‌تر بروم، اگر حداقل پانصد سال عقب‌تر برویم شما از دوره صفویه به این طرف در تاریخ ایران این رابطه را می‌بینید. رابطه روحانیت، رابطه هیأت، رابطه نهادهای دینی با ساختار سیاسیِ کشور؛ و این رابطه‌ای است کاملاً عقلانی و طبیعی. هیچ‌گاه نهادهای دینی اعم از هیأت‌ها، روحانیت و امثالهم خودشان را به عنوان مزدور در ساختار سیاسی تعریف نکردند.

مثلاً در فضای انتقادی، ما دوره صفوی را خیلی نقد می‌کنیم و آثاری هم با عناوینی مثل «تشیع علوی و تشیع صفوی» و امثال آن در این حوزه داریم؛ اما به نظر می‌رسد در تحلیل

این ارتباط اشتباهی رخ داده است. شما خودتان را بگذارید جای نهاد دین مثل روحانیت، هیأت‌ها، مســاجد؛ یک تحول سیاسی در آن دوره مثل صفویه در کشورتان به وجود می‌آید و در همسایگی شما هم کشوری وجود دارد به نام عثمانی که یک اکثریتی در جهان اسلام است و به شدت هم شیعه‌ستیز است. یک رفتار عاقلانه این است که شما برای حفظ حیات حداقلی خودت با ســاختار سیاسی ارتباط برقرار کنی، آن هم نه ارتباط به عنوان مزدوری، بلکه ارتباطی از نوع کمک، یاری، مشاوره و نظارت بوده است.

علماء قدیم از حکومتِ وقت به شرّ لَازم تعبیر می کنند. می گویند شرّ است و مشروع نیست ولی لازم است، چرا؟ چون ما که نمی توانیم حکومت تشکیل بدهیم، پس مجبوریم با حکومت همراهی کنیم.



شرّ لازم

اگر بخواهیم این موضوع بیشتر واضح شود باید به ادبیاتِ علماء و ساختارهای مذهبی که با ساختارهای سیاسی کار کردند توجه شود؛ آیا نقش تأییدی داشتند؟ آیا صفر تا صد این جریان‌ها را تأیید می‌کردند یا خیر؟!

ظاهــراً این ارتباط یک تعامل صددرصدی نبوده اســت. تعبیری وجود دارد به عنوان شــرّ لازم؛ مــا در ادبیات توصیفی که از علماء داریم، تعبیری به طور مفصل وارد شــده و آن این اســت که علماء قدیم از حکومتِ وقت به شــرّ لازم تعبیر می‌کنند. می‌گویند شــرّ اســت و مشــروع نیست ولی لازم اســت، چرا؟ چون ما که نمی‌توانیم حکومت تشکیل بدهیم، پس مجبوریم با حکومت همراهی کنیم و شــاهد بر این مطلب این اســت که در انتهای صفویه وقتی‌که تشیع تقویت پیدا کرد، کم‌کم از ساختار پادشاهی فاصله گرفت.

یک مثال دیگری بزنم: در دوره قاجار که مسأله مشروطه پیش می‌آید، جناب میرزای نائینی کتابی می‌نویسند تحت عنوان «تنبیه الامة» که از کتاب‌های مشهور ما در حوزه فقه سیاسی



به شـمار می‌رود. ایشـان در آن کتاب یک مثالـی می‌زند و در قالب آن مثال نسـبت روحانیت را با سـاختار سیاسی توضیح داده و می‌گوید که نسـبت ما و ساختار سیاسی مثل نسبت ما با یک کنیز سیاه‌رویی است که دستان آلوده‌ای دارد. چرا کنیز سیاه‌رو اسـت؟! چون که ما او را مشروع نمی‌دانیم و حاکمیت را حق پادشـاهان نمی‌دانیم، بنابراین سـیاه‌رو است؛ اما چرا دست‌هایش آلوده است؟ زیرا نظام پادشاهی ظلم زیاد می‌کرد و مردم اعتراض کردند و دلیل مطرح شدن مشروطه هم همین بود؛ حال که این کنیز سیاه‌رو به واسطه ظلم، دست‌هایش هم آلوده اسـت، حداقل ما بیاییم به واسـطه مشروطه دست‌های این کنیز را پاک کنیم که اگر غذایی برای ما می‌آورد، قابل تناول باشد.

تعامل نهادهای دینی ما با حکومت هیچ‌گاه تعامل مزدوری، فروخته شدن و در اختیار قرار دادن خودشان نبوده است.

استقلال نهادهای دینی

تعامل نهادهای دینی ما با حکومت هیچ‌گاه تعامل مزدوری، فروخته شدن و در اختیار قرار دادن خودشـان نبوده اسـت. حتی بعد از انقلاب هم، شما ببینید مثلاً یکی از ویژگی‌های اصلیِ هیأت‌های مذهبی اسـتقلال مالی اسـت و هیچ‌وقت در بودجه کشـور مبلغی برای هیأت‌ها در نظر گرفته نشـده است، اگرچه در دوره‌های مختلف در جمهوری اسلامی مثلاً به هیأت‌های مذهبی کمک‌هایی شده، اما بسیار حداقلی بوده است. نکته مهم این‌جاست که حتـی بعد از انقلاب اسلامی هم آن چیزی که هیأت‌هـای مذهبی را اداره می‌کند، آن بودجه مردمی اسـت؛ مردمی که حتی ممکن است خیلی‌هایشان انقلابی هم نباشند، امّا به علت تدین‌شـان و محبتی که به اهل‌بیت علیهم‌السلام دارند، بدون این‌که هیچ‌گونه رابطه رسـمی با حکومت داشـته باشـند، هزینه هیأت را متقبل می‌شـوند. یکی از ویژگی‌های نهادهای دینی در کشـور ما برخلاف نهادهای دینی در کشـورهای دیگر این اسـت که وابسـتگی اقتصادی ندارند.

شــما ببینید حوزه علمیه ما در طول تاریخ تشــیع اگرچه از طرف حکومت‌ها اعانه و کمک شــده است، امّا هرگز مستقیماً بودجه دولتی به صورتی که اگر آن بودجه قطع شود حیات حوزه قطع شــود، نداشته است. هیأت‌های مذهبی نیز همین طور بوده است، لذا این امر باعث اســتقلال حوزه و هیأت شده و این اســتقلال یک حریتی در نهادهای دینی، اعم از حوزه، هیأت و غیره ایجاد کرده که همیشــه مســتقل عمل کردند، مســتقل انتقاد کردند، مستقل حمایت کردند و مستقل اعتراض کردند.

خلاصــه مطلب این‌که می‌خواهم بگویم که در طــول تاریخ ایران اسلامی خصوصاً در دوره صفویــه به این ســو بیــن حکومت‌ها و نهادهای دینــی ارتباطات خوبی وجود داشــته، اما هیچ‌گاه این نهادها خودشان را به ساختار سیاسی نفروختند.

این استقلال یک حریتی در نهادهای دینی، اعم از حوزه، هیأت و غیره ایجاد کرده که همیشه مستقل عمل کردند، مستقل انتقاد کردند، مستقل حمایت کردند و مستقل اعتراض کردند.

تعامل فقها با حکومت صفوی

در دوره صفویــه دو طیف از علماء حضور دارند، طیفی که کاملاً غیرسیاســی هســتند و با وجود این‌که کاری به سیاســت ندارند، امّا از امنیتی کــه حکومت صفویه فراهم کرده بود، برای ترویج تشــیع اســتفاده می‌کردند. در مقابــل طیفی هم مثل مرحــوم محقق کرکی، مرحوم شــیخ بهــاء و مرحــوم علامه مجلســی در حالی که بــا حکومت تعامــل دارند، اما اعتراضات و انتقاداتشان به ساختار سیاسی را نیز مطرح می‌کردند و هیچ‌گاه از این تعامل به عنوان رابطه بســیار مطلوب یاد نمی‌کنند؛ مثلاً اگر به اشــعار شــیخ بهاء مراجعه بکنید کــه یک‌جاهایی درد دل می‌کند و کاملاً اظهار ناراحتی می‌کنــد از این‌که مجبور به تعامل با صفویه هســت، لذا در انتهای حکومت صفویه وقتی تشــیع رشــد پیــدا می‌کند، صفویه ضعیف می‌شود.





هیأت انقلابی

کسی که از سیدالشهدا(ع) دم بزند و از امام حسین(ع) بگوید، پس بر علیه ظلم قدم برداشته و ظلم‌ستیزی کرده است.

با توجه به این‌که حضرت آقا در جایی فرمودند که ما هیأت سکولار نداریم، عملاً هم این‌گونه اســت. کسی که از سیدالشهدا(ع) دم بزند و از امام حسین(ع) بگوید، پس بر علیه ظلم قدم برداشته و ظلم‌ستیزی کرده است. آیا ممکن است فردی هیأتی باشد، امّا انقلابی نباشد؟! اگرچه اسم امام حسین(ع) و هیأت، لاجرم تداعی کننده مفاهیم کلانی مثل ظلم‌ستیزی و قیام بر علیه ناعدالتی‌ها و... است، اما این به این معنا نیست که ما تصورمان این باشد که تمامی جریان‌های هیأتی کاملاً انقلابی و حزب‌اللهی هستند.

قصه ابی‌عبدالله(ع) جریانی است که لاجرم بیان آن، تداعی یک تحول سیاسی می‌کند. به هر حال قضیه امام حســین(ع) موضوعی اســت که دعوای اصلی آن، حکومت و رسیدن به قدرت اســت و امکان چشم‌پوشی از آن نیســت، اما اختلاف بین هیأتی‌ها در این است که یک عده‌ای مفهوم ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی و ... را به‌روز می‌رسانند و یک عده‌ای این مفهوم را در یک نگاه تاریخی می‌بینند.

کارکرد سیاسی هیأت

هیأت سنتی ما در طول همین چند دهه اخیر هیچ‌گاه رنگ و بوی غیرسیاسی نداشته است. رفتار غیرسیاسی یعنی چی؟! یکی از موضوعاتی که در مسأله سیاست تعقیب می‌شود، ایجاد انسجام و ایجاد شبکه است. ببینید جنبش‌ها در جوامع مختلف، شبکه‌های اجتماعی مختلفی دارند، اما ما اگر بخواهیم هیأت را به عنوان یک جنبش اجتماعی تحلیل کنیم، می‌شود آن را یک شبکه شناور نامحسوس دید. یک شبکه اجتماعی شناور که هیچ ساختار رسمی و قانونی ندارد، شناور است و کاملاً در تحولات سیاسی حضور دارد، اما این حضور رسمی و دولتی نیست. یک حضور نامحسوسی است که به شدت هم حس می‌شود و تاریخ ما، حداقل بعد از انقلاب اسلامی و خود انقلاب اسلامی بارها و بارها کارکرد سیاسی هیأت را تجربه کرده است. ما چه در انقلاب اسلامی، چه در دوره جنگ و چه در سه دهه بعد از جنگ بارها و بارها کارکرد سیاسی، امنیتی، انسجام‌آفرینی و شبکه‌سازی هیأت را دیدیم و تحلیل کردیم.

رسالت اصلی هیأت

یکی از اصلی ترین کارهایی که هیأت می تواند در گام دوم تعقیب کند، تربیت نیروی انسانی است

قاعدتاً آن رسالت اصلی هیأت انقلابی یا هیأت سیاسی، حزبی شدن، جناحی شدن و بازیچه ساختار سیاسی شدن نیست. تاریخ هم(حداقل بعد از انقلاب) این را اثبات می‌کند و تجربه به ما می‌گوید که کمتر هیأتی را داریم که در نقش حامی جریان‌ها و طیف‌های سیاسی باشد و این امر همان‌طور که عرض کردم، معلول دو علت می‌باشد؛ یعنی به دو دلیل هیأت‌ها هیچ‌وقت نقش بازیگری احزاب سیاسی را نداشتند: اولاً استقلال مالی‌شان و ثانیاً این‌که معمولاً از یک گفتمان کلان، یک رویکرد کلان حسینی تبعیت کردند و هیچ‌وقت خودشان را به بازی‌های احزاب نفروختند.

هیأت و بیانیه گام دوم انقلاب

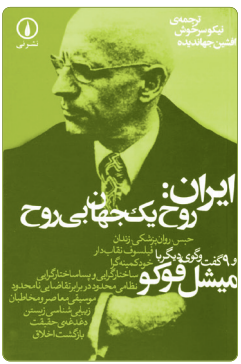
بیانیــه گام دوم فازهــای مختلفی دارد، حوزه علمــی، حوزه تاریخی، حــوزه بصیرتی و... کــه هیــأت می‌تواند در همه این حوزه‌هــا نقش‌آفرینی کند، ولی به نظر من شــاید یکی از اصلی‌ترین کارهایی که هیأت می‌تواند در گام دوم تعقیب کند، تربیت نیروی انسانی است؛ هیأت یک ویژگی‌ای دارد که خیلی از ساختارهای تربیت نیروی انسانی ما ندارد، مثلاً شما در مدرسه یک رده سنی‌ای دارید؛ اول ابتدایی، دوم ابتدایی و غیره، اما در هیأت رده سنی مطرح نیســت، در هیأت قومیت نداریم، در هیأت جنسیت نداریم، در هیأت معمولاً حضور زنان و مردان به صورت مشــترک می‌باشد، خانواده‌ها حضور دارند. این یک ویژگی‌ای برای هیأت‌های مذهبی اســت که تنوع و تکثر نیروی انســانی در آن‌جا زیاد اســت. به نظر من یکــی از اصلی‌ترین کارهای ویژه هیأت در گام دوم می‌تواند تربیت نیروی انســانی باشــد. این‌که شــما تحمل داشته باشی، کار تشــکیلاتی بکنی، این‌که همکاری بکنی، همان‌طور که می‌دانید هیأت متشکل از چند صنف است؛ یک بدنه‌ی اصلی دارد که بچه‌های پایه‌کار

هیأت هســتند و شــب و روزشــان در هیأت می‌گذرد. یک بدنه فرعی دارد، کســانی که به صورت پاره‌وقت در هیأت حاضر می‌شــوند. این یعنی هیأت یک شبکه است، بنابراین فکر می‌کنم یکی از کارویژه‌های هیأت در گام دوم تربیت و شبکه نیروی انسانی است.



در دهه پنجاه بین سال‌های پنجاه و هفت تا شصت که اسمش سال‌های تثبیت است، یکی از ساختارهایی که در کشور ایجاد امنیت می کرد، کمیته‌هاست که در بستر هیأت‌ها شکل گرفتند.

حضور فاعلانه یا منفعلانه



هیچ‌وقت هیأت‌ها منفعل عمل نکردند، حتی خودِ انقلاب اسلامی زاده هیأت‌ها بوده است، نه این‌که انقلابی پیش آمده باشد و بعد هیأت‌ها در این بین دنبال سهم خودشان باشند. نویسنده‌ای هست به نام میشل فوکو که در آستانه انقلاب، زیاد به ایران آمده و رفته است. وی کتابی تحت عنوان «ایران، روح یک جهان بی‌روح» دارد که در این کتاب نقل جالبی دارد که من فقط آن را می‌خوانم. می‌گوید: «امسال، محرم دوم دسامبر است. ماه محرم آغاز می‌شود و در این ماه ایرانیان برای شهادت امام حسین علیه‌السلام عزاداری می‌کنند. این ماه زمانی است که مردم در خلسه‌ای از خودگذشتگی باکی ندارند که به کام مرگ بروند.» یک مشاور آمریکایی امیدوار است که اگر ماه محرم را مقاومت کنیم، همه چیز را می‌شود نجات داد وگرنه خیر. وزارت خارجه آمریکا هم منتظر سالگرد شهادت امام شهید است.

ببینید در این عبارت کاملاً هیأت به عنوان یک مسأله جدی مطرح است، یعنی مسأله عزاداری ابی‌عبدالله(ع) برای طرف مقابل که نگران است یک دوره بسیار سخت است و این قصه هم ادامه پیدا کرده است. در آستانه انقلاب اسلامی، یعنی در دهه پنجاه بین سال‌های پنجاه و هفت تا شصت که اسمش سال‌های تثبیت است، یکی از ساختارهایی که در کشور ایجاد امنیت می‌کرد، کمیته‌هاست که در بستر هیأت‌ها شکل گرفتند. در دهه شصت و دوره دفاع مقدس، هیأت‌ها نقش جذب، اعزام و تشویق به حضور را به عهده گرفتند و در خود جنگ نیز اگر آثار و خاطرات شهداء ملاحظه شود، نقش جدی و مؤثر هیأت‌ها ملموس است.

شخصیت‌هایی مثل حاج صادق آهنگران هستند که حضرت امام از ایشان می‌خواهد که صرفاً روضه نخواند، بلکه با نوای حماسی خود ایجاد شوق و رغبت کند. بعد از جنگ که مسائلی مثل فرهنگ، الگوی اداره اقتصادی کشور، مسأله تجمل، مسأله عدالت‌خواهی و.... مهم شد، همیشه دغدغه‌های فرهنگی یکی از پایه‌های اعتراضی نظارتی هیأت‌ها بوده که با اندکی بررسی معلوم می‌شود که معمولاً هیأت‌های مذهبی در دهه هفتاد در این حوزه‌ها در صحنه حاضر بودند و صدای این موضوعات از هیأت‌ها شنیده می‌شد.

در دهه هشتاد که برخی از دوره پایان معنویت صحبت می‌کنند و حسین(ع) را ثمره خشونت علی(ع) در اُحد می‌دانند، آن‌جا هم باز هیأت‌های مذهبی حضور جدی پیدا می‌کنند. و در تحولات امنیتی کشور، ورود پیدا کردند.

بعد از جنگ که مسائلی مثل فرهنگ، الگوی اداره اقتصادی کشور، مسأله تجمل، مسأله عدالت‌خواهی و.... مهم شد، همیشه دغدغه‌های فرهنگی یکی از پایه‌های اعتراضی نظارتی هیأت‌ها بوده.

جالب اســت بدانیم در مورد بعضی از تحولات امنیتی که ما در شهر تهران یا غیره داشتیم، مثل تحولات ســال ۷۸ و ۸۸ هرجا کــه هیأت‌های مذهبی حضور پررنگ‌تری داشــتند، ما مناطق امن‌تری داشتیم .... اگرچه هیأت‌ها در آن تحولات شهید هم دادند.

مثلاً در شــهری مثل تهران که بیشــتر هیأت‌ها متأســفانه در شــرق تهران هستند و توزیع متعادل نشده‌اند، آن مناطق هیچ‌وقت درگیر این موضوعات نشدند، یعنی گفتمان انقلاب و امنیتی آن‌جا جدی‌تر اســت. شــما ببینید سال ۸۸ و اتفاقات آن چگونه حل شد؟ اگرچه نهادهای امنیتی‌مان زحمت‌های خودشان را کشیدند، امّا وقتی مسأله توهین به مقدسات عاشورا تبدیل شد، این‌جا بود که مسأله واقعاً حل شد.

همیــن پدیــده مدافعان حــرم، برای طرف مقابل یک ســؤال و یک معماســت و قابل درک نمی‌باشــد که این ســاختار نظامی چگونه است که یک افغانســتانی، یک پاکستانی، یک لبنانی، یک ایرانی که گاهاً حتی از نظر زبانی هم با هم مشــکل دارند، امّا در کنار هم و در جبهه واحد برای این گفتمان کاملاً کارآمد هستند.

موضوع حضرت سیدالشهدا(ع) محدود به یک فضای سیاسی و طیف خاص نیست و امروز هم منسک اربعین، مانور تمدنی جهان اسلام در دوره جدید است

هیأت بدون مرز

مناسک معمولاً به یک محدوده خاصی محدود می‌شوند. مثلاً فرض کنید ما منسک قومی داریم که برای یک قوم خاص اســت؛ منسک زبانی داریم که مثلاً برای فارسی زبان‌هاست، فرض بفرمایید عید نوروز برای منطقه فارسی‌زبان قابل فهم است. منسک ملی داریم، مثلاً ســالگرد استقلال کشــورها، مثلاً بیست و دو بهمن برای ما و ســالگرد انقلاب فرانسه برای فرانســوی‌ها معنا دارد، ولی برای همســایه غربی و شــرقی او خیلی معنایی ندارد. بعضی مناســک مثل فریضه حج، دینی هســتند. امّا جالب اســت که تمام این مرزهای انسانی از پدیده اربعین و پدیده هیأت ابی‌عبدالله(ع) عبور کرده؛ نه زبانی اســت، نه قومی اســت، نه ملتی است و نه حتی دینی است. ما بزرگ‌ترین مناسک را در مناسک دینی مثل حج داریم، اما جالب اســت هیأت ابی‌عبدالله(ع) دینی هم نیســت. بنده سفری به یکی از کشورهای اروپایی رفته بودم، کشیش جوانی بود که اتفاقی به آن هیأتی که ما بودیم، آمده بود. جلسه که تمام شــد آمد به مداح آن هیأت گفت که من نمی‌دانم شــما چه خواندی، نه فارسی بلد

هســتم و نه حســین﵇ را می‌شناســم، اما آن چیزی که تو می‌خواندی با درون من ارتباط برقرار می‌کــرد. می‌خواهم عرض بکنم که موضوع حضرت سیدالشــهدا﵇ محدود به یک فضای سیاسی و طیف خاص نیست و امروز هم منسک اربعین، مانور تمدنی جهان اسلام در دوره جدید است.



هیأتِ تراز انقلاب اسلامی
همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأتِ الگویی که گوشه گوشه و لحظه‌لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر(عج) باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور...ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید. اما لازم است و ضروری...

***

در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است

۰۲۵-۳۶ ۶۳ ۱۲ ۲۰
۳۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org

که به دنبال ارتباط بیشتر
محبّان سیدالشهدا(ع) است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آیینه تولیدات
و فعّالیّت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...